بحر بی‌پایان مثنوی

گفت‌وگو با مریم مشرف درباره تصحیح استاد محمدعلی موحد از مثنوی معنوی مولانا

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

در تقویم فرهنگی کشورمان، هشتم مهر به نام مولانا نامگذاری شده و یک روز پیش از آن نیز به یاد شمس تبریزی گرامی داشته می‌شود. در گفت‌وگو با مریم مشرف، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، به بررسی تصحیح استادمحمدعلی موحد از مثنوی پرداخته‌ایم. دبیرعلمی اسبق همایش ملی مولانا، تصحیح محمدعلی موحد را نمونه‌ای کم‌نظیر در مولاناپژوهی می‌داند، تصحیحی که با اتکا برنسخه‌های قونیه و قاهره و نُه نسخه معتبر دیگر، هم مخاطبان عام و هم پژوهشگران راهدف گرفته است. مشرف تأکید می‌کند مسیر تحقیق درباره مولانا پایانی ندارد، اما دقت‌عمل و شیوه استاد موحد در انجام این تصحیح را یکی از ویژگی‌های مهمی می‌داند که آن را به مرجعی مهم برای مولوی‌پژوهی تبدیل کرده است.

در یکی از مراسم‌های رونمایی تصحیح استاد موحد، ایشان مهم‌ترین دلایل از انجام این کار سترگ را ارائه متنی پیراسته و قابل فهم برای مخاطبان و علاقه‌مندان مثنوی عنوان کردند، تصحیحی که از نتیجه‌اش هم خوانندگان عادی و هم اهل تحقیق بهره ببرند؛ به نظر شما استاد موحد در تحقق این خواسته تا چه حد موفق عمل کرده‌اند؟

ابتدا باید تأکید کنم مسیر شناخت مولانا، بسیار طولانی و حتی بی‌پایان است. همان‌گونه که عمق دریای وجود مولانا بحری بی‌کران و عمیق است، شناخت او نیز به همین‌اندازه طولانی و بی‌پایان است و هر محققی قادر است در این راه قدم یا قدم‌هایی بردارد. با توجه به آنکه ما اسناد کاملی درباره مولانا و مثنوی در دست نداریم، هر مصحح و محققی که در این راه کوشیده، به روشن ساختن زوایا و گوشه‌هایی تاریک از این راه کمک کرده است. بنابراین هیچ کسی نمی‌تواند مدعی شود این کار را تمام کرده است. با این وجود، تصحیح استاد موحد از باارزش‌ترین تلاش‌هایی به شمار می‌آید که در این زمینه انجام شده و بر قله مثنوی‌پژوهی قرار می‌گیرد. در پاسخ سؤال شما باید بگویم ایشان به خوبی از پس تحقق این خواسته‌شان برآمده‌اند و همان‌گونه که مولانا برای قشر خاصی شعر نگفته، استاد موحد نیز تصحیحی انجام داده‌اند که هم عامه مردم و هم محققان قادر به بهره‌مندی از آن هستند.

تأکیدی که بر دشواری این کار دارید از فقدان دسترسی به نسخ و اسناد لازم ناشی می‌شود یا از جهان فکری مولانا؟

شناخت جهان فکری مولانا که کار دشواری است اما تأکید من بر فقدان دسترسی به نسخ و اسناد لازم است. در فاصله سال‌هایی که مولانا به سرودن مثنوی اشتغال داشته و ابیات آن را برای حسام‌الدین چلبی و یارانش می‌خوانده، به طور مرتب اصلاحاتی در متن مثنوی انجام می‌داده است. خوشبختانه شاگردان مولانا، نسخه‌هایی از مثنوی را مکتوب می‌کنند و آن را برای مولانا می‌خوانند. او هم در نهایت اصلاحاتی بر آن انجام می‌دهد. نتیجه کار نیز نسخه‌ای قابل اعتماد و مورد تأیید خود مولانا می‌شود. در حقیقت سرودن مثنوی دو مرحله داشته است، مرحله اول به ثبت آن اختصاص داشته و مرحله دوم نیز، موقعی است که مولانا درباره برخی کلمات، مصرع‌ها یا بیت‌ها تغییرات و اصلاحاتی را اعمال می‌کند. شاگردان مولانا آن صورت اولیه مثنوی را هم مکتوب می‌کنند. هرچند که مولانا در آخر، آن نسخه اصلاح شده را مثنوی مورد تأیید خودش می‌خواند. نسخه‌ای که هرگز به دستمان نمی‌رسد که آن را می‌توان گنجینه‌ای گران‌بها اما دور از دسترس دانست. با این حال پنج سال بعد از درگذشت مولانا فرد دیگری از روی نسخه مورد اعتماد مولانا دست‌نویسی تهیه می‌کنند که به نسخه قونیه مشهور می‌شود.

نسخه‌ای که در کنار نسخه قاهره، مهم‌ترین نسخ مورد استفاده استاد موحد در این تصحیح هستند؟

بله و از آنجایی که نسخه قونیه به فاصله کمی از درگذشت مولانا کتابت شده است اهمیت زیادی دارد، مولانا در سال ۶۷۲ قمری فوت شده و این نسخه در سال‌های ۶۷۷-۶۷۸ نوشته شده است. شخصی که این نسخه را دست‌نویسی کرده در پایان آن تأکید کرده که من این مثنوی را از روی نسخه‌ای که مورد تأیید مولانا بوده نوشته‌ام. بی‌شک یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت تصحیح استاد موحد را باید در دسترسی‌شان به همین نسخه قونیه دانست.

نسخه‌ای که جای خالی بخش‌های زیادی از آن در تصحیح نیکلسون هم دیده می‌شود چرا که او در اواسط تصحیح مثنوی به نسخه قونیه دسترسی پیدا می‌کند.

بله با آن که نیکلسون هم کار بسیار مهمی انجام داده، اما در تصحیح او کمتر از سه هزار بیت با نسخه مثنوی قونیه مقابله شده است. این نسخه خیلی دیر به دست نیکلسون می‌رسد و همین مسأله، سبب وجود کاستی‌هایی در نتیجه نهایی کارش می‌شود، هرچند که بعدتر مقداری از نسخه‌بدل‌ها را اضافه می‌کند. همان‌طور که اشاره شد استاد موحد، دو نسخه قونیه و قاهره را اساس اصلی کار خود قرار داده‌اند که هر دو این نسخ در فاصله اندکی از درگذشت مولانا مکتوب شده‌اند.

استاد موحد به غیر از نسخ مشهور قونیه و قاهره، از ۹ نسخه دیگر هم بهره برده‌اند؛ استفاده ایشان از نسخه‌هایی که اغلب‌شان طی پانزده سال اول درگذشت مولانا مکتوب شده‌اند. استفاده از این نسخه‌ها چه تأثیری در نتیجه نهایی کار ایشان ایفا کرده‌اند؟

با آنکه مهم‌ترین آن نسخ، نسخه‌های قونیه و قاهره هستند اما مابقی نسخه‌ها، یا بهتر است بگوییم دفترها هم از اهمیت زیادی برخوردارند؛ دفترهایی که به قلم شاگردان بی‌واسطه مولانا مکتوب شده‌اند. هرکدام از اینها بنابر توانایی و اعتقاد خود بخشی از مثنوی را مکتوب کرده‌اند.

روش شرح استاد موحد چه تأثیری در جایگاه علمی تصحیح ایشان دارد؟

روش شرح استاد، مبتنی بر یک نوع جهان‌بینی کلی است، نگاهی برآمده از اشراف ایشان به کلیت وجودی مولانا و جهان فکری‌اش. در خاطرم هست که ایشان در یک سخنرانی تأکید کردند: «اغلب مقاله‌هایی که با محور مولانا و مثنوی نوشته می‌شوند به گونه‌ای هستند که انگار هر تکه آن را از یک گوشه‌ای برداشته و همچون مونتاژکاری کنار هم گذاشته‌اند.» چرا؟ به این خاطر که نویسندگان اغلب این مقاله‌ها درباره چیزی نوشته‌اند که آن را تجربه نکرده‌اند؛ این قبیل مقاله‌ها در نتیجه گرته‌برداری‌هایی بدون کسب معرفت و شناخت لازم درباره مولانا هستند. دست‌یابی به چنین درکی تنها در گذر زمان و با کوشش بسیار حاصل می‌شود، حتی اگر یک محقق با تفکر و جست‌وجویی عمیق به سراغ مولانا برود، باز هم به صرف زمانی طولانی برای دست‌یابی به اشراف لازم به مجموعه آثار مولانا نیاز دارد.

> مسیر شناخت مولانا، بسیار طولانی و حتی بی‌پایان است. همان‌گونه که عمق دریای وجود مولانا بحری بی‌کران و عمیق است، شناخت او نیز به همین‌اندازه طولانی و بی‌پایان است و هر محققی قادر است در این راه قدم یا قدم‌هایی بردارد

شناخت شمس و زمینه‌های فکری مرتبط با مولانا چه تأثیری در موفقیت تصحیح استاد موحد داشته است؟

استاد موحد افزون بر مولانا، سال‌های زیادی از عمرشان را صرف مطالعه درباره شمس تبریزی کرده‌اند، مطالعاتی که نتیجه‌شان انتشار کتاب‌ها و آثار متعددی است. از سوی دیگر شناخت خوبی هم از ابن‌عربی دارند، هرچند همواره تأکید دارند که ما در شرح مولانا نباید ابن‌عربی‌زده باشیم! در برخی شرح‌هایی که درباره مثنوی منتشر شده، حتی شرح استادان بزرگواری همچون زنده‌یاد فروزان‌فر هم تا اندازه‌ای متأثر از جهان‌بینی ابن‌عربی است. با وجود آن که مولانا گاه با ابن‌عربی هم‌افق می‌شود اما به طور کلی به دو سپهر متفاوت تعلق دارند، مولانا به سپهر عرفان خراسانی و ابن‌عربی به سپهر عرفان مغربی تعلق دارد. استاد موحد به این نکته نیز در جهان‌بینی خود توجه کرده‌اند که مجموعه این عوامل سبب شده بدانند مولانا کیست. ابتکار دیگری که استاد موحد در چینش و آرایش ابیات مثنوی به خرج داده‌اند، این است که از ایجاد فاصله‌هایی استفاده کرده‌اند که در تصحیح‌های دیگر نیستند. ایشان این کار را برای ایجاد نوعی تأمل و تفکر انجام داده‌اند، وقفه‌ای که نوعی بلاغت سکوت به شمار می‌آید. مولانا گاه در یک مکث و سکوت به اندازه یک کتاب سخن گفته و استاد موحد نیز به هنرمندی از این شیوه به خوبی بهره گرفته‌اند.

چند سال قبل در گفت‌وگوی روزنامه ایران با استاد موحد، ایشان تأکید کردند تصحیح خود را ادامه‌ای بر راه نیکلسون می‌دانند؛ با توجه به گفته ایشان و از سویی نسخه قونیه که بموقع در دسترس نیکلسون قرار نمی‌گیرد؛ تصحیح استاد موحد را می‌توان برطرف کننده کاستی‌های آن تصحیح دانست؟

در این مورد همان‌طور که استاد موحد نیز گفته‌اند، نیکلسون کار بزرگی انجام داده است؛ منتهی تصحیح استاد موحد یک امتیاز مهم دارد که همان بحث دسترسی ایشان به نسخه‌های قونیه و قاهره است. وگرنه روش نیکلسون نیز در تصحیح مثنوی انتقادی و علمی است.

در نهایت این تصحیح‌ها چقدر ما را به نسخه اصلی مثنوی نزدیک می‌کنند؟

در پاسخ این سؤال نکته بسیار مهمی نهفته است، تمام افرادی که به سراغ مولانا رفته‌اند به دنبال کشف آن هستند که بدانند آخرین شکل مثنوی کدام است. از طرفی چندی است که شاهد شکل‌گیری تلاش دیگری هم هستیم، اینکه بفهمند اصلاحاتی که مولانا انجام داده چه مواردی هستند و شکل اصلی‌اش، قبل از تغییرات چه بوده است. برای دست‌یابی به این مورد نیازمند جمع‌آوری و دسترسی به همه دفترهای قدیمی و پراکنده‌ای هستیم که در زمان حیات مولانا کتابت شده‌اند. به همین دلیل است که تأکید دارم، مسیر بررسی و تحقیق درباره مولانا هرگز به پایان نمی‌رسد.

وقتی تصحیح نیکلسون منتشر می‌شود عده‌ای تأکید می‌کنند حجت بر این کار تمام شده است؛ اما استاد موحد بنا بر ضرورت و نسخ ارزشمندی که به آنها دسترسی داشتند؛ حدود ۹۰ سال بعد تصحیح دیگری را عرضه می‌کنند و شما تأکید دارید تصحیح استاد موحد نیز پایانی بر این راه نیست و همچنان محققان و مصححان دیگر هم باید این مسیر را ادامه بدهند؟

بله، همچنان نسخه‌های ناتمام زیادی هستند که باید بررسی شوند. خود مثنوی از وجوه بسیار دیگری باید مورد تحقیق قرار بگیرد. از جمله برخی کلمات در ابتدا با لهجه خاصی ثبت شده‌اند که بعدتر به لهجه رسمی تغییر یافته‌اند، باید اینها هم بررسی شوند. بنابراین این راه بی‌پایانی است و همچنان کار زیادی در پیش روی مولوی‌پژوهان قرار دارد.

خانم مشرف، مولانا از جمله ادبایی است که اغلب محققان با شیفتگی و نه با نگاه انتقادی به سراغش می‌روند، این شیوه مواجهه با مولانا و آثارش چه ضربه‌ای به نتیجه نهایی کار می‌زند؟

خب کاری که استاد موحد و حتی نیکلسون در تصحیح مثنوی انجام داده‌اند به شیوه انتقادی و علمی است. از این بابت به آنها نقدی وارد نیست. اما از ضرورت تصحیح و شرح علمی مثنوی که بگذریم، مگر می‌شود به مولانا انتقادی داشت؟ البته من موافق مقدس‌گرایی نسبت به آثار و تفکرات چنین بزرگانی نیستم. اصلاً خود مولانا هرگز به دنبال این نبوده که از خودش بت بسازد. اگر مولانا را آن‌گونه که هست و با دقت بشناسیم تمام بت‌های ذهنی‌مان درباره چنین بزرگانی شکسته می‌شود. هرچند که باز هم می‌گویم کشف عیب‌های مولانا در حد ما آدم‌های عادی نیست.

عمل به توصیه مینوی

تصحیح مثنوی معنوی محمدعلی موحد بر اساس یازده نسخه نزدیک به حیات مولانا است

«مثنوی معنوی» به تصحیح استاد محمدعلی موحد، از چهره‌های مطرح مولوی‌پژوه، پس از تصحیح نیکلسون، یکی از قابل اعتناترین تصحیح‌های مثنوی است که پس از سال‌ها کار مدام این مولوی‌پژوه، چند سالی است توسط نشر هرمس منتشر شده و پس از چاپ پنج دو جلدی این تصحیح، امسال نسخه همراه آن هم منتشر شد؛ نسخه‌ای که هر دفتر از مثنوی در یک جلد به همراه یک جلد فهرست و کشف‌الابیات، در قطع جیبی، سامان یافته است. پاورقی‌ها و دگرسانی‌ها و مقدمه مفصل استاد موحد که بیشتر مورد استفاده پژوهشگران است در این نسخه حذف شده است. در توضیح ناشر درباره نسخه قطع کوچک آمده: «از ابتدای انتشار مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به تصحیح استاد محمدعلی موحد یکی از دغدغه‌های مصحح ارجمند و نشر هرمس انتشار نسخه‌ای بود که مخاطبان به راحتی بتوانند همراه خود داشته باشند؛ نسخه‌ای که در ابعاد کوچک‌تر و برای خواندن در موقعیت‌های گوناگون مناسب‌تر و از نظر قیمت کمی ارزان‌تر باشد و بتواند مورد استفاده عموم دوستداران مثنوی قرار بگیرد.»

مبنای استاد محمدعلی موحد در تصحیح مثنوی معنوی یازده نسخه بوده که بیشتر آنها متعلق به اولین سال‌های پس از وفات مولوی است و از نظر صحت و اتقان دقیق‌ترین تصحیحی است که تاکنون انجام شده و کمترین میزان تصرف‌ها در آن صورت گرفته است. موحد در مقدمه تصحیح خود، در توضیح شیوه کار خود نوشته: «مدار کار ما بر یازده نسخه است؛ هشت نسخه مکتوب در فاصله ۱۵ سال اول پس از وفات مولانا، که دو نسخه آن مشتمل بر هر شش دفتر است: یکی مورخ ۶۷۷ و دیگری مورخ ۶۸۷، و شش نسخه تک دفتری، یکی مورخ ۶۷۴ از دفتر ششم، دیگر مورخ ۶۸۰ از دفتر اول به خط اسماعیل قیصری؛ و یک نسخه از دفتر چهارم، و یک نسخه از دفتر پنجم، و یک نسخه از دفتر ششم که به ظن نزدیک به یقین هر سه دفتر در همان فاصله زمانی و به خط سلطان ولد فرزند مولانا کتابت شده است. فرزند مولانا پس از وفات حسام‌الدین چلبی در ۶۸۳، در رأس مولویان قرار گرفت و خودش شروع به سرایش مثنوی کرد؛ بنابراین نسخه‌هایی که به خط او از مثنوی مولانا موجود است، به احتمال نزدیک به یقین به پیش از این سنوات برمی گردد. یک نسخه هم از دفتر چهارم داریم به خط شیخ جمال انقروی مورخ ۶۸۰. علاوه بر اینها، یک نسخه کامل دیگر از شش دفتر مثنوی داریم که تاریخ کتابت آن ۶۶۸ قید شده است ولی می‌دانیم که کاتب آن در قرن هشتم زندگی می‌کرد. درباره تاریخ این نسخه بگومگو زیاد بوده ولی متن آن به اجماع محققان صاحب‌نظر متنی صحیح و دقیق و درخور اعتماد است. ما این نُه نسخه را بیت به بیت و کلمه به کلمه مطابقت دادیم و موارد اختلاف را به دقت ضبط کردیم. در اثنای کار به دو نسخه دیگر برخوردیم، یکی مشتمل بر هر شش دفتر مورخ ۶۹۵، که فیلم آن را از کتابخانه سلیمانیه استانبول به دست آوردیم؛ و دیگری تک نسخه‌ای از دفتر چهارم که چاپ عکسی آن در ۱۳۹۲ از سوی مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی انتشار یافت و ناشران، تاریخ کتابت آن را ۷۰۱ قلمداد کرده‌اند. پس دایره مطالعات خود را توسعه دادیم تا این نسخه نویافته را هم شامل شود. بدین‌گونه مجموع نسخه‌هایی که ما روی آنها کار کردیم یازده شد: چهار نسخه کامل مشتمل بر هر شش دفتر، و هفت نسخه تک‌دفتری.» موحد در ادامه درباره اصالت این نسخ می‌نویسد: «هشت تا از این یازده نسخه به نظر ما نسخه‌هایی هستند که هیچ احتمال تحریف و دستکاری از سوی کاتب در آنها راه ندارد. به طور وضوح دیده می‌شود که اختلاف روایت‌های این نسخه‌ها حاصل تجدیدنظرهایی است که از سوی خود شاعر، یا به پیشنهاد دیگران و اجازه و تصویب او، در بازخوانی‌های مکرر مثنوی صورت گرفته است.»

استاد موحد، کار تصحیح مثنوی را نتیجه سخنان مرحوم مجتبی مینوی در همایشی که ۵ دهه پیش به منظور بزرگداشت مولانا در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد، می‌داند. مینوی در این مراسم گفته بود: «یک‌بار هم بیاییم آن منثوی را چاپ کنیم که مولانا گفته است.»

قرار در جهان بی‌قرار

روایت مهدی فیروزان از جایگاه مولانا در دنیای معاصر و تصحیح مثنوی موحد

راضیه خوئینی
گروه کتاب

در روزگاری که جهانِ معاصر با شتابی سرسام‌آور درگیر بحران معنا، تلاطم فکری و چالش‌های زیست انسانی است، بازگشت به سرچشمه‌های خرد و عرفان ایرانی‌اسلامی بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد. یکی از درخشان‌ترین ستارگان این آسمان، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است؛ شاعری که در مثنوی معنوی، جهان را نه از زاویه ظاهر، که از چشمِ دل و معنا به تماشا می‌نشاند. در این میان، پژوهش‌های مولاناشناسی و تصحیح آثار او، نقشی بنیادین در فهم درست و عمیق اندیشه‌های مولانا دارند. با مهدی فیروزان، پژوهشگر و اندیشمند حوزه ادبیات و عرفان، درباره جایگاه مولانا در سنت فکری ایرانیان، پیام‌هایش برای انسان امروز و نیز درباره ارزش و اهمیت تصحیح مثنوی دکتر محمدعلی موحد گفت‌وگو کرده‌ایم؛ تصحیحی که به دلیل بهره‌گیری از نسخه‌های کهن و روش علمی دقیق، گامی تازه در مسیر مولاناپژوهی محسوب می‌شود.

چراغ راه انسان معاصر

به باور مهندس فیروزان، مولانا شخصیتی است که در مرز میان عقلانیت و شهود ایستاده و اندیشه‌هایش امروز می‌تواند چراغ راه انسان معاصر باشد. او در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند: «دنیا هرچه که گذشته، بیشتر به سمت عقلانیت سیر کرده است. عقلانیت یعنی فاصله گرفتن از احساسات و درک احساسی و گرایش به سمت درک عقلانی. مولانا یکی از عقلانی‌ترین حکما، فلاسفه و عرفای میراث فارسی است و از همین‌رو، دنیای امروز که با کرونا بخشی از خرافه علم را زدود، و با حوادث سیاسی و نظامی اخیر، پرده از خرافات حقوق بشر و مسائل قراردادی جهان برداشت. بنابراین انسان از این دیدگاه که گمان می‌کرد می‌تواند بر کل جهان حکومت کند، عبور کرد و دریافت که این عقاید هم پاسخگوی جهان نیست و باید بیش از پیش به عقلانیتی از جنس مولوی روی بیاورد.»

فیروزان معتقد است انسان امروز ـ چه ایرانی و چه جهانی ـ دچار نوعی گم‌گشتگی معنوی است که تنها با عقلانیتی ژرف و الهی می‌تواند درمان شود اما هشدار می‌دهد نباید عقلانیت را صرفاً در محاسبات ریاضی خلاصه کرد: «عقلانیت مدنظر من همان است که مولوی به‌عنوان عقل کلی به آن نگاه می‌کند. اما عقل کلی یا عقل جزئی یعنی چی؟ پاسخ به این پرسش‌ها کلید گشایش نکات مهمی است که باید به آن توجه کرد. عقل کلی یعنی خداوند طبق همه سنت‌ها مسیحی، یهودی و اسلام می‌فرمایند که تمام اسماء و صفات را به انسان آموختند؛ تمامی اسما، نه بخشی از آنرا. در یهودیت خداوند می‌فرمایند به انسان گفتیم که به اشیا نام بده. این یعنی انسان هم با نگاه افلاتونی علمی داشت از جانب خداوند که می‌توانست اشیا و پدیده‌ها را نامگذاری کند. این عقل کلی، یعنی علمی که ما از جانب خدا داریم، یعنی همان عقلی که می‌تواند امروز راهگشا باشد. عقل کلی، عقلی برآمده از علم به اشیا و صفات الهی است. یعنی خداوند در اینجا سخاوت به خرج داده است و همه اسماء و صفات را می‌گویند. انسانی که با این ظرفیت، با این توانایی که همه علم پدیده‌های دیروز، امروز و فردا را دارد، می‌تواند عقلانی عمل کند.»

از فیروزان درباره تمایز میان عقل کلی و عقل جزئی در اندیشه مولانا می‌پرسیم. می‌گوید: «عقل جزئی همان عقلی است که با زندگی زمینی ما در ارتباط است؛ علمی که در فیزیک، شیمی، حسابداری و دیگر شاخه‌های تجربی به‌کار می‌آید و انسان کاملاً بر آن تسلط دارد. اما عقل کلی، در قلب انسان جای دارد؛ جایی که به تعبیر قرآن و مولوی، محل ورود دانش شهودی و علم اسماء الهی است. این عقل است که می‌تواند راهگشای انسان امروز باشد. مولانا مانند اقیانوسی است که متفکران گوناگون به او روی آورده و در اندیشه‌های ژرف او غواصی کرده‌اند. شمار کتاب‌هایی که امروز در جهان با عنوان رومی درباره مولوی منتشر می‌شود، بسیار شگفت‌انگیز است. پژوهش‌های فراوانی درباره او صورت گرفته است و در قیاس با آثار منتشرشده در ایران، بسیار چشمگیر و ارزشمند هستند.»

محمدعلی موحد و مهدی فیروزان در رونمایی از ترجمه کتاب‌های «هیاهو بر سر هیچ» و «شمس تبریزی» به زبان ترکی استانبولی و «تصحیح مثنوی معنوی» در دانشگاه استانبول/ فروردین ۱۳۹۷

کار درخشان موحد

فیروزان در پاسخ به سوالی مبنی بر اهمیت تصحیح‌های علمی و دقیق از مثنوی، تصحیح دکتر محمدعلی موحد را گامی درخشان در این مسیر می‌داند: «ما به فارسی یک اثر جامع تصحیح شده و پالایش شده نداشتیم و استاد موحد دست به کار سترگی زدند. در واقع پس از تصحیح نیکلسون، ما در زبان فارسی اثری جامع و پالوده نداشتیم. استاد موحد با بهره‌گیری از نسخه‌های نزدیک به زمان مولانا، کاری سترگ انجام دادند. ایشان با نگاه علمی، تاریخی و عرفانی، مثنوی را بازخوانی کردند و اثری پدید آوردند که برای محققان مرجع است.» او با ستایش از مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر و آنه ماری شیمل، یادآور می‌شود که هر یک از بزرگان در شناخت مولوی سهمی ارزشمند داشته‌اند، اما تصحیح موحد به‌سبب تسلط زبانی، آشنایی با سنت عرفانی و تجربه گسترده در نسخه‌شناسی، جایگاهی ممتاز دارد. فیروزان در ادامه پاسخ به سوال پیشین ما، به توصیف جایگاه دکتر موحد می پردازد: ««محمدعلی موحد، انسان فرهیخته و جامعی است که واقعاً مشابه ایشان ما در نسلی که امروز حیات دارند، نداریم. آقای موحد چون در رشته حقوق تحصیل کرده، هم حقوقدان هست و هم مثنوی‌شناس. اخلاق و منش، گفتار و رفتار موحد به خصوص زمانی که از مولوی یا از معارف و از حقایق صحبت می‌کنند؛ طوری است که گویا ایشان را آینه‌ای از اندیشه مولوی و اندیشه عطار نیشابوری و از اندیشه عرفان اسلامی می‌بینید. یعنی حتماً در بزرگداشت کار ایشان از ابعاد مختلف تأثیر این کتاب و جایگاه آن باید گفت. دیگر آثار ایشان در مورد نفت که بسیار نوآورانه بود، آثار ایشان در مورد ادبیات و در مورد فیه‌مافیه، اینها همه به‌عنوان آثار علمی ایشان یک طرف؛ اما آنچه که برای من خیلی ارزشمند است این است که همیشه فکر می‌کردم مولوی چگونه سخن می‌گفت؟ مولوی چه سلوکی داشت؟ مولوی از چه بحث‌هایی با چه هیجاناتی صحبت می‌کرد؟ من زمانی که آثار استاد موحد را می‌خوانم یاد مولوی می‌افتم به خصوص وقتی که راجع به مولوی، اشعار مولوی، تفسیر ابیات یا بحث‌های مربوط به فیه‌مافیه صحبت می‌کند احساس می‌کنم که با مولوی در حال سخن گفتن هستم.»

مهدی فیروزان درباره اهمیت کار موحد معتقد است: ««هیچ کس به زبان فارسی تاکنون تصحیح کامل مثنوی معنوی را انجام نداده بود و هرچه بود کار غیر ایرانی بود و کار نیکلسون. اینکه یک ایرانی که زبان ترکی بداند، با خلق و خوی ترک‌ها آشنا باشد، جامعیت نسبت به میراث عرفانی ایران داشته باشد، نسخه‌های گوناگون را تدریس کرده باشد و در معرض سؤال‌های گوناگون شاگردان قرار گرفته باشد، بسیار متفاوت است. موحد در تصحیح مثنوی هم دانش تاریخی بی‌نظیری نسبت به بقیه مصححان دارد و هم دانش و تسلط بیشتری از دیگران دارد. به همین دلیل به باور من کار ایشان یک استثناء است و به همین دلیل بسیار حائز اهمیت است. مولوی در مظان ربودن توسط کشورهای دیگر بود، ولی استاد موحد مولوی را به عنوان یک متفکر ایرانی تثبیت کرد و قطعاً هیچ کس به اندازه ایرانیان نمی‌تواند مولوی را خوب بشناسد.»

مثنوی معنوی

- به تصحیح: محمدعلی موحد
- انتشارات: هرمس
- تعداد صفحه: ۲۰۰۰ صفحه (دو جلد)
- قیمت: ۲۹۰۰۰۰۰ تومان